

خرید و فروش دین

سیزدهم - یکی دیگر از احکام مربوط به دین، مسائل مربوط به خرید و فروش آن می باشد که نه تنها از دیرباز محل ابتلاء و امری متداول در بازار بوده است، بلکه در امور اقتصادی و تجاری امروزه نیز جایگاه ویژه ای داشته و حتی در ضمن انتشار نوعی اوراق در جریان می باشد که از آن به فروش طلب یا فروش اوراق و اسناد تجاری^۱ نیز تعبیر می شود.^۲ خرید اوراق و اسناد تجاری نوعاً به بهایی کمتر از مبلغ اسمی^۳ صورت می گیرد زیرا فروشنده با فروش آن صاحب پول نقد می شود در حالی که خریدار برای رسیدن به پول مندرج در سند باید مدتی را صبر نماید تا سررسید آن فرا برسد

لازم به ذکر است که اساساً علاوه بر اینکه حقیقت بعضی از قرارداد های داخلی، خرید و فروش دین یا طلب یا تعهد است، برخی از قرارداد های خارجی و بین الملل نیز بر همین امر بنا گردیده اند و این نکته اهمیت بررسی این مسأله را دو چندان می نماید.

حضرت آیت الله سیستانی برای تبیین حکم فقهی خرید و فروش دین، صور مختلفی نسبت به آن تصویر می کنند که بدین شرح است:^۴

- ✓ اگر دین با مال خارجی به فروش برسد:
 - ارزش دین با مال خارجی متفاوت باشد (ارزش دین کمتر یا بیشتر باشد):
 - مستلزم ربا باشد (دین و مال خارجی هر دو مکمل یا موزون و همجنس باشند) — بیع باطل است.
 - مستلزم ربا نباشد — بیع صحیح است.
 - ارزش دین با مال خارجی یکسان باشد — بیع صحیح است.
- ✓ اگر دین با مال دین دیگری (کلی فی الذمه) به فروش برسد:
 - هر دو دین قبل از بیع به وجود آمده باشد (مانند فروش دین برآمده از بیع نسینیه به دین برآمده از قرض):
 - هر دو مؤجل باشد — بیع باطل است.

1 منظور از اوراق و اسناد تجاری آن دسته از اوراق و اسناد بهاداری هستند که مفاد آن حاکی از بدهی ناشی از معاملات تجاری باشد مانند چک.

2 عملیات مربوط به خرید دین تا سال ۱۳۶۷ بر مبنای آیین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری و مقررات اجرایی آن که در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید و در شورای نگهبان مورد تایید قرار گرفت و نیز اصلاحیه بعدی آیین نامه مذکور مصوب ۲۴/۹/۱۳۶۶ شورای پول و اعتبار، انجام می گرفت. در حال حاضر با تصویب نهایی قانون برنامه پنجم، مطابق با ماده ۹۸ این قانون، «عقد خرید دین» به همراه دو عقد دیگر «استصناع» و «مراجه» به مجموع ۱۱ عقد پیشین مذکور در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ افزوده شده است. شورای پول و اعتبار نیز در اجرای تکلیف مقرر در ماده ۹۰ آیین نامه اجرایی فوق الذکر در جلسه مورخ ۲۵/۵/۱۳۹۰، دستورالعمل های اجرایی عقود استصناع، مراجه و خرید دین را تصویب و ابلاغ نمود. به موجب عقد استصناع، یکی از طرفین در مقابل مبلغی معین، متعهد به ساخت اموال منقول و غیرمنقول، مادی و غیرمادی با مشخصات مورد تقاضا و تحویل آن در دوره زمانی معین، متعهد به ساخت اموال همچنین به موجب عقد مراجه، بانک یا موسسه اعتباری به عنوان عرضه کننده، بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، نسینیه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی و یا غیرمساوی در سررسید یا سررسید های معین به متقاضی به فروش می رساند.

3 منظور از مبلغ اسمی، مبلغی است که در متن اسناد و اوراق تجاری ذکر گردیده و حاکی از دینی است که باید در سررسید از سوی متعهد پرداخت شود.

4 مسأله ۹۹۱:

یصحّ بیع الدین بمال خارجي وإن كان أقل منه ما لم يستلزم الربا، ولا یصحّ بیعه بدین مثله إذا كانا دینین قبل العقد، ولا فرق فی المنع بین کونهما حین العقد حالین ومؤجلین ومختلفین، ولو كانا دینین بالعقد بطل فی المؤجلین و صحّ فی غیرهما، ولو كان أحدهما دیناً قبل العقد والآخر دیناً بالعقد فإن كان الثاني مؤجلاً بطل وإلا - بأن كان کلیاً فی الذمه من دون تأجیل فی دفعه - صحّ إلا فی بیع المسلم فیهِ قبل حلوله، فإنه لا یجوز بیعه من غیر بائعه مطلقاً، ویجوز بیعه من غیر بائعه بعد حلوله ومن بائعه مطلقاً علی تفصیل تقدّم.

منهاج الصالحین، سید علی سیستانی، کتاب الدین و القرض

- هر دو حال (بدون سررسید یا با حلول أجل) بائد — بیع باطل است.
- یکی حال و دیگری مؤجل بائد — بیع باطل است.
- هر دو دین ناشی از بیع بائد (مانند بیع کالی به کالی⁵ که مبیعین هر دو دین و ناشی از عقد است):
 - هر دو مؤجل بائد — بیع باطل است.
 - هر دو حال بائد — بیع صحیح است.
 - یکی حال و دیگری مؤجل بائد — بیع صحیح است.
- یک دین قبل از بیع موجود و دیگری ناشی از بیع بائد:
 - دین ناشی از عقد مربوط به بیع سلم⁶ (پیش فروش) نباشد:
 - ❖ دین ناشی از بیع، مؤجل بائد — بیع باطل است چه دین موجود قبل از بیع، حال بائد و چه مؤجل.
 - ❖ دین ناشی از بیع، حال بائد (مانند مواردی که ثمن کلی فی الذمة بدون تعیین أجل است) — بیع صحیح است چه دین موجود قبل از بیع، حال بائد و چه مؤجل.
 - دین ناشی از عقد مربوط به بیع سلم (پیش خرید) نباشد:
 - ❖ أجل بیع سلم فرا نرسیده بائد — بیع آن دین فقط به شخص بایع آن هم به صورت نقد صحیح است.
 - ❖ أجل بیع سلم فرا رسیده بائد — بیع آن دین به بایع و شخص ثالث، به صورت نقد و مؤجل صحیح است.

⁵ بیع کالی به کالی یا نسیه به نسیه در فقه به معامله‌ای اطلاق می‌شود که ثمن و مبیع، هر دو کلی، مؤخر و مؤجل باشند. به عبارت دیگر ثمن و مبیع منتهی پس از انعقاد قرارداد بیع تسلیم شوند. اگرچه اصطلاح بیع کالی به کالی در قانون مدنی ایران نیامده است اما ماده‌ای هم وجود ندارد که بیع کالی به کالی را باطل اعلام نماید اما از منظر مشهور فقهاء چنین معامله ای باطل است و از باب فروش دین به دین قابل اصلاح نمی‌باشند زیرا هر دو دین با اصل عقد به وجود می‌آید و سابق بر آن وجود نداشته است.

⁶ بیع سلف به معامله‌ی کالای مدتدار به بهای نقد گفته می‌شود، که از آن به بیع محایج، پیش فروش، سلف و سلم نیز تعبیر می‌شود. در بیع سلف برخلاف بیع نسیه، کالا، مدتدار (کلی فی الذمة) است، لکن بهای آن نقد پرداخت می‌گردد، مانند آنکه کشاورزی یک تن گندم را- که یک ماه بعد تحویل دهد- به صد هزار تومان نقد بفروشد. در معامله‌ی سلف، به خریدار «مسلم»، به بهای پرداختی «مسلم»، به کالا «مسلم فیه» و به فروشنده «مسلم له» گفته می‌شود.